

در سومین نشست گفتمان فرهنگی انقلاب عنوان شد

## جای خالی آرمان‌های انقلاب در فجر / سهم خواهی بالای جان جشنواره

سومین نشست «گفتمان فرهنگی انقلاب» با عنوان «جشنواره فیلم فجر؛ فرصت‌ها و تهدیدها» به منظور بررسی کارنامه سی‌وشش دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سرویس فرهنگی ایسکانیوز به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری؛ این نشست با حضور حمید محمدی مدیرکل فرهنگی خبرگزاری فارس، کیوان امجدیان از منتقدان و روزنامه نگاران سرشناس، فرانک آرتا دبیر فرهنگ و هنر روزنامه شرق و مرتضی رنجبران از یکی از مسئولان خبرگزاری ایرنا در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

### جای خالی آرمان‌های انقلاب در فجر

در این برنامه حمید محمدی، برگزاری این سلسله نشست‌ها را عملکردی مناسب در راستای بهبود وضعیت جشنواره فیلم فجر دانست و گفت: همزمان با سالگرد چهلسالگی انقلاب اسلامی، جشنواره فجر در حالی وارد دوره ۳۷سالگی خود می‌شود که همچنان نسبت خود را با انقلاب پیدا نکرده است. به طور کلی این جشنواره در مقابل دیگر جشنواره‌های فیلم از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در احقاق آرمان‌های انقلاب اسلامی و مقاومت مردم این مرز و بوم اهدافی فراتر از آنچه که امروز می‌بینیم، در پیش رو دارد اما متأسفانه غفلت از این هدف منجر به حرکت‌های مستقل‌تری نسبت به تأمین گفتمان انقلاب فرهنگی در سینما شده است.

وی عنوان کرد: ما با جشنواره‌ای مواجه هستیم که با عنوان فجر فعالیت می‌کند ولی تناسبی با نامش ندارد. اگر این عنوان عوض می‌شد جایی برای گله نمی‌ماند چرا که فجر معنای امیدوارکننده‌ای دارد و جشنواره‌ای که طبیعتاً باید با امیدآفرینی و روشنی بخشی همراه باشد عملاً با آثاری روبرو است که به نوعی ناامیدی و یاس را به جامعه منتقل می‌کند. در حالی که این سیاه‌نمایی با مبنای انقلاب و شاخصه اصلی نام جشنواره مغایرتی مشهود دارد.

محمدی ادامه داد: جشنواره فیلم فجر به خلق فرصت‌ها نیاز داشته و باید به توانایی‌های جوانان ایرانی و روند جوان‌گرایی در کشور نیز توجه کند که این امر با سپردن مسئولیت به آنها و خلع مسئولیت از بازنشستگان مدیران فرهنگی ممکن می‌شود اما مسئولان فرهنگی از این فرآیند در سینما و جشنواره‌های فیلم غافل هستند.

وی آزادی خواهی، عدالت‌خواهی و مبارزه با استعمار را از اهداف مهم انقلاب معرفی کرد و اظهار داشت: جای آرمان‌های انقلاب در جشنواره خالی است و فضایی از گفتمان فرهنگی انقلاب در آن دیده نمی‌شود. پیگیری خط مقاومت در برابر فرهنگ‌های جدی ضداسلامی را که در جهان نمودی از آن وجود ندارد، باید در این جشنواره پرورش داد اما خودمان هم نسبت آن غافل شده‌ایم. بی‌توجهی مسئولان جشنواره فیلم فجر به این اهداف منجر به ناامیدی از این جشنواره شده و زمینه را برای راه اندازی دیگر جشنواره‌ها فراهم کرده است.

این فعال رسانه قوی تر ضریب بخشی فیلم‌ها در رسانه‌ها را یکی دیگر از معضلات مهم رسانه‌ها دانست و افزود: تنها در ایام جشنواره به این بازدهی توجه شده و در دیگر ایام سال از آن غافل هستیم.

وی یادآور شد: در بسیاری از شرایط خبرنگاران در مقابل مسئولان سکوت می‌کنند و تسلیم می‌شوند چرا که از زنجیره‌های پنهانی رابطه‌ها بی‌اطلاع هستند و کشف و تسلط بر این زنجیره‌ها کار هر کسی نیست. سفارشی بودن مسئولان جشنواره‌های فیلم، دست رسانه‌ها را برای پوشش برخی کارها بسته است و این شرایط در رسانه‌ها به وضوح دیده می‌شود و ما هم به دنبال کشف راه‌حلهایی برای مقابله رسانه با مسئولان و پدرخوانده‌های سینما هستیم.

محمدی خاطر نشان کرد: ما خبرنگاران خوبی در عرصه سینما و هنر تربیت نکرده‌ایم و مرجعیت شبکه‌های اجتماعی نیز بر این اتفاق دامن می‌زند این در حالی است که بسیاری از منابع خبر تاکید دارند خبر در فضای مجازی رسانه‌ها منتشر شده و بازخوردی مجازی نسبت به آن ارائه شود در حالی که این اقدام تلاش رسانه‌های رسمی را به چالش می‌اندازد. در سینمای ما خبرنگاری مستقل وجود نداشته و بعضاً کارگزار جشنواره‌ها هم محسوب می‌شویم. عدم حمایت مالی و بی‌توجهی به نیازها، خبرنگاران را ناگزیر کرده است که در این فعالیت‌ها شرکت کنند. از طرفی دیگر، جریان تولید سینما در حاشیه‌ها قرار می‌گیرد چرا که همه رسانه‌ها در تلاش هستند که به جشنواره فیلم فجر برسند اما جریان ماهوی جشنواره خود از این فرآیند عقب مانده است. در این میان حضور رسانه‌ها در فرآیند جشنواره‌ها و همراهی با جریان اشتباه مدیران نیز مبین بی‌اختیاری رسانه‌ها در مقابل مسئولان سینمایی است.

وی تاکید کرد: جشنواره فیلم فجر شکوه‌مندی خود را در چهلمین سالگرد انقلاب باید بیش از همیشه نشان دهد و فضای با نشاطی را به همگان نشان دهد.

تیشه به ریشه جشنواره نزنید

فرانک آرتا دبیر سرویس فرهنگ و هنر روزنامه شرق، یکی دیگر از میهمانان این نشست تحلیلی به آسیب شناسی جشنواره از دیدگاه دیگری پرداخته است. وی گفت: اصولاً جایگاه جشنواره فیلم فجر را باید با آیین نامه‌های موجود بسنجیم. اساساً، این جشنواره با هیچ یک از جشنواره‌های دنیا قابل مقایسه نیست چرا که نه تنها جشنواره است بلکه جشنی است که به رعایت الزامات خاص خود نیاز دارد. این در حالی است که معضل سهم خواهی و دخالت دبیران در تصمیم‌گیری‌ها نشان از بی‌توجهی مسئولان فرهنگی به قواعد موجود در این عرصه بوده که به نحوی غیر قابل انکار نمایان است.

وی افزود: در هیچ جشنواره فیلمی در دنیا ندیده‌ایم که همزمان با تغییر دبیران، تیشه به ریشه سینما زده و جشنواره را براساس سلاقی شخصی مدیریت کنند. بلایی که دبیران جشنواره بر سر سینمای ما آورده‌اند در تاریخ فرهنگی کشورهای دیگر نظیری ندارد و این ویرانی در همه دولت‌ها وجود داشته است.

آرتا اذعان داشت: جشنواره فجر به جای رعایت آیین نامه‌های مدون شده، شباهت عجیبی به نظرات دبیران دارد این در حالی است که افرادی برای این جایگاه انتخاب می‌شوند که سابقه و تجربه خوبی برای این مدیریت نداشته و با اعمال نظرات شخصی خارج از آیین نامه، عملکرد جشنواره را به زیر سوال برده‌اند و خبرنگاران و فیلمسازان را دچار بحرانی جبران ناشدنی کرده‌اند بنابراین در جشنواره چیزی به نام آیین نامه وجود ندارد و خود دبیران آیین نامه تلقی می‌شوند.

وی بی‌اعتباری جشنواره را منوط به بی‌توجهی مسئولان فرهنگی به ارزش فیلم‌ها دانست و ادامه داد: در همه کشورهای دنیا برای فرهنگ هزینه می‌شود اما در کشور ما به بهانه دهه فجر فیلم‌هایی نظیر به وقت شام حاتمی‌کیا را قبل از اکران در جشنواره به نمایش

می‌گذارند و برای فیلمساز و تلاش‌های آنها ارزشی قائل نشده و اعتبار جشنواره را خراب می‌کنند.

این فعال رسانه با اشاره به نظر فیلمسازان نسبت به فضای فرهنگی حاکم بر کشور یادآور شد: به گفته شمقدری سینما، سینمای مهد کودک است. این جمله کاملاً درست است چرا که نگاه بالغانه‌ای به این رویداد نداریم و با وجود پیرمردهای مدیریتی و نگاه نوستالژی وار به جشنواره، پیشرفتی نخواهیم داشت. جشنواره فجر نباید به آدم‌ها سپرده شود بلکه باید به قوانین، آیین نامه‌ها و آدم‌های بالغ سپرده شود. عملکرد این رویداد بزرگ سینمایی به جایی رسیده که فیلمسازان دوزاری هم برای حضور در جشنواره خط و نشان می‌کشند. واکنش رسانه‌ها نسبت به این فیلمسازان در حمایت و یا عدم حمایت از جشنواره هم عواقبی دارد که رسانه‌ها را نیز به چالش می‌کشاند. در این میان فیلمسازانی هم وجود دارند که با فیلمنامه‌های بسیار بد در جشنواره حضور پیدا کرده و رسانه‌ها را در بالاترین سطح حمایت و یا انتقاد رها می‌کنند. سیاست‌گذاری‌های نادرست در سینمای ایران استقلال رسانه‌ها را نیز دچار مشکل کرده و تا جایی پیش می‌رود که رسانه‌ها در بیان اخبار مربوط به فیلم‌ها دچار سردرگمی هستند.

وی اذعان داشت: انتخاب فیلم‌های بد در جشنواره نیز توازن سطح کیفیت فیلم‌ها را برهم زده است چرا که به فیلم‌های بی ارزش اجازه ساخت و اکران داده شده و از نمایش فیلم‌های شاخص بنا بر دستور مسئولان نالایق سینمایی جلوگیری می‌شود. مشکل اصلی سینمای ما فعالیت مدیران نالایقی است که از وظایف خود آگاهی نداشته و به جای کمک به جشنواره، عملکرد آن را به زیر سوال برده اند. جشنواره باید با فیلم‌ها سنجیده شود نه رابطه‌ها و اشخاصی که این فیلم‌ها را می‌سازند. زمانی که معیاری برای سازه‌های سینمایی وجود ندارد ارزش فیلم‌ها مشخص نمی‌شود که این ریشه در غیر حرفه‌ای بودن مدیران در انتخاب فیلم‌های جشنواره دارد.

آرتا حضور دائمی برخی افراد در جشنواره را عامل نابودی و فرسودگی سینما معرفی کرد و افزود: تا زمانی که برخی مدیران هستند اوضاع سینمای ما همین است. جشنواره جایی برای دیدن فیلم‌های خوب و کشف استعدادهایی است که آینده سینما را رقم می‌زند اما این فضا به نابودی خلاقیت فیلمسازان جوان تبدیل شده و بر سر ایده سازان جوان می‌زند. چرا که در جشنواره فجر به هر چیزی جز خلاقیت فکر می‌شود. نهایتاً باید تاکید کنم که در هر زمینه‌ای بالاخص مدیریت جشنواره‌ها، به معیاری برای سنجش نیازمندیم تا عدالت برقرار شود.

هنرنامایی پدخواننده‌های مدیریتی در پشت پرده جشنواره

مرتضی رنجبران از مسئولان خبرگزاری ایرنا نیز، بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای جشنواره فیلم فجر را نوعی بیان دیدگاه‌های سلیقه‌ای افراد دانست و گفت: گروهی از افراد تصور می‌کنند جشنواره بعد از ۳۷ سال نتوانسته به جایگاه اصلی خود برسد و نسبت آن با انقلاب مشخص نیست. این تصور منجر به بهره‌مندی برخی افراد از این ضعف‌ها شده تا جشنواره‌های فیلم کوچک‌تری موازی با فجر راه‌اندازی شود که برخورد سلیقه‌ای مسئولان را در پی داشته است.

وی افزود: عدم وجود قاعده‌ای مشخص از سوی نهاد مسئول، مشکل اصلی جشنواره در همه ادوار است که در اعمال نظرات شخصی نسبت به برخی تصمیم‌گیری‌ها نظیر فیلم‌های کوتاه و مستند، حذف و اضافه آن این کمبودها به وضوح دیده می‌شود. بنده معتقدم دبیر جشنواره تصمیم‌گیرنده اصلی نیست و تنها مسئولیت‌های اجرایی را برعهده دارد. در حالی که امروزه نبود شورای موردپسند حاکمیت باعث شده است که دبیران قواعد جدیدی را به جشنواره اضافه کرده و با تغییر دولت‌ها بر آن تسلط بیشتری پیدا کنند. بنابراین جشنواره فیلم فجر نیاز به شورایی ثابت برای مدیریت جشنواره در همه دولت‌ها دارد.

رنجبران با اشاره به حضور پدخواننده‌های مدیریتی اظهار داشت: این یک واقعیت است که جشنواره فجر سال‌ها به دست پدخواننده‌ها

مدیریت می‌شود. آدم‌هایی که در پشت پرده هستند و گاه، اثری از آنها در رسانه‌ها پیدا می‌شود تا با قدرت رسانه‌ای خود همه چیز را عادی و معمولی جلوه دهند. حضور گسترده این افراد در سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا حدی است که در ترکیب هیات داوران در ادوار مختلف جشنواره نیز تاثیرگذار بوده اند. هیچ وقت رد پای این افراد در جشنواره‌ها پاک نشده و در شرایط کم‌رنگ بودنشان هم، جشنواره را می‌زنند و فشارهای خود را وارد می‌کنند؛ این در حالی است که در شرایط سینمای امروز، آدم‌های بازنشسته سازمان سینمایی در یک اتاق دیگری به دور از چشم همه برای جشنواره تصمیم می‌گیرند و سرنوشت جشنواره را رقم می‌زنند. این دخالت‌ها تا پایان این دولت هم ادامه دارد و همانگونه که در دولت‌های گذشته بوده تا زمانی که زنده اند هستند.

به گفته وی، تا زمانی که این پدرخوانده‌ها هستند گردش بخش اجرایی و عوامل آنها در جشنواره فیلم فجر عوض نخواهد شد و داورهای بی‌تجربه را شاهد هستیم. در این شرایط تکلیف فیلم‌هایی هم که انتخاب می‌شود روشن است و رفتاری محافظه کارانه را در پیش می‌گیرد. از بحث خوش خدمتی مدیران به پدرخوانده‌های سینمایی و ضرر آن برای جشنواره نمی‌توان غافل ماند چرا که انتخاب دبیران بی‌اختیار نسبت به گزینش عوامل خود در جشنواره، حق دفاع دبیران از فیلمسازان در مقابل داوران را نیز سلب کرده است.

وی یادآور شد: بر فرض وجود سینمای مستقل، نهادهای حاکمیتی سینمایی وظیفه تولید فیلم‌هایی را بر عهده دارند که جزو سیاست گذاری‌های کلان است اما تاکنون درصد قابل قبولی از فیلم‌های انقلابی تولید نشده است و جای سوال دارد که چرا برخی نهادها از ساخت فیلم‌های مقاومتی هراس دارند؟ در حالی که ما انتظار داریم حداقل سالی دو فیلم از این ژانر ساخته شود ولی متاسفانه به یکی هم نمی‌رسد.

وی ادامه داد: تحمیل زور به رسانه‌ها و نفوذ به چارچوب آنها اقدامی خطرناک در کارکرد رسانه‌ها است. دو فضای رسمی و غیررسمی در رسانه‌ها وجود دارد که در فضای رسمی، محدودیت‌هایی برای انتشار اخبار ایجاد شده است برای نمونه در برخی خبرگزاری‌ها به عنوان رسانه دولت هیچ وقت امکان نقد صریح مسئولان دولتی وجود ندارد و تبعاتی جدی را به دنبال خواهد داشت و این روند در رسانه‌های دیگر نیز اعمال می‌شود. بنابراین همه مکلف به رعایت این قانون هستند.

وی معتقد است انتقاد به جشنواره به معنای سرکوب نیست بلکه نقدی برای سازندگی است اما باز هم فضا برای فعالیت خبرنگاران برای این انتقاد مهیا نیست. در این شرایط رسانه‌های مستقل باید وارد عمل شوند اما مگر چند رسانه مستقل و تاثیرگذار در این زمینه داریم که می‌تواند در جایگاه انتقاد قرار گیرد؟ در حالی که بیشتر رسانه‌های مستقل نیز از سازمان‌های اصلی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغذیه می‌کنند، این فضا برای انتقاد رسانه‌ها مناسب نخواهد بود در این میان رسانه‌هایی نظیر فضای مجازی هم تکلیف روشنی در این شرایط دارند.

وی تصریح کرد: خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای که در جشنواره‌های فیلم فعالیت می‌کنند نباید رسانه فروشی کنند و به واسطه همکاری در رسانه‌های مطرح به کار در جشنواره دعوت شوند چرا که این امر به مثابه ضربه گیری در برابر انتقاد به جشنواره محسوب می‌شود. حاکمیت رسانه‌ها، ممنوعیت در قبال انتقاد به مسئولان، رسانه فروشی و انتخاب خبرنگاران رسانه‌های معتبر از جمله معضلات موجود بر سر راه انتقاد به رسانه‌ها است. این در حالی است که جامعه امروز نسبت به خبرگزاری‌های رسمی بی‌اعتماد شده و حتی به اندازه چهره‌های معروف اینستاپی بازدیدکننده ندارند و این سوال همیشه مطرح می‌شود که بخش‌های فرهنگی و هنری در رسانه‌های رسمی دولت چقدر فعال هستند و ارتباط مردمی در چه حدی برقرار می‌شود؟

رنجبران، تامین اقتصاد سینما را یکی از فرصت‌های مطرح در جشنواره فیلم فجر معرفی کرد و اذعان داشت: در حالی که بسیاری از

فیلم‌های موفق در اقتصاد سینما خارج از فضای جشنواره اکران شده و به نتیجه خوبی هم رسیده، فضای جشنواره از این موفقیت ناکام مانده است. عدم توجه جشنواره به ژانرهای کم‌دی و طنز نکته قابل توجه دیگری است که قواعد اقتصادی جشنواره را تغییر داده است. وقتی جشنواره نگاه خود را از ژانر طنز و کم‌دی برمی‌دارد، این نوع از فیلم‌ها در خارج از این فضا به شدت مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و جشنواره از این کارکرد اقتصادی و اعتباری عقب می‌ماند.

وی اظهار داشت: ذائقه سازی در سینما تنها از طریق رسانه‌های مکتوب ممکن نمی‌شود در این میان همه فعالان رسانه‌ای اعم از فضای مجازی نیز در این اتفاق شریک هستند. این در حالی است که تلویزیون از این قضیه مستثنی نیست و نباید از تاثیر آن در ذائقه سازی مخاطب غافل ماند. استفاده از کاربرد رسانه‌های معتبر در فضای مجازی و بهره مندی از کانال این خبرگزاری‌ها می‌تواند تاثیر به سزایی در بهبود ذائقه سازی در سینما و جشنواره‌های فیلم داشته باشد.

این فعال رسانه‌ای شفاف سازی نسبت به عملکرد جشنواره را راهکاری برای مدیریت فضای جشنواره دانست و اذعان داشت: اگر فعالیت در جشنواره فجر منوط به قراردادهای مشخص با کادر اجرایی نشود فضای سهم خواهی از بین می‌رود. انتشار دستمزدهای کادر فعال در جشنواره‌ها و شفاف سازی نسبت به درآمدها باید انجام شود تا نارضایتی نسبت به دریافتی‌های همه افراد و مبالغ هنگفت مشخص شود. جشنواره فجر هنوز در جذب اسپانسر ناتوان مانده است.

این مدیر رسانه‌ای رد کردن پیشنهاد ۱۰ میلیاردی ایران مال و نپذیرفتن برج میلاد مبنی بر اختصاص رایگان فضا به جشنواره از عملکردهای غیر اصولی داروغه زاده در این دوره از جشنواره بوده است. و خاطرنشان ساخت: با کمی تامل به این قضیه می‌توان فهمید که هزینه پرداخت شده به پردیس سینمایی ملت می‌تواند در چرخه کمک به فیلمسازان جوان و حمایت از سینما تاثیرگذار باشد اما مدیران با اختصاص و صرف هزینه‌های گزاف پیشرفت سینمای ایران را مختل کرده اند. این جشنواره هنوز جایگاه و اهمیت خود را دارد و با وجود دست اندازهای اخیر مقداری از جایگاه خود فاصله گرفته است که رسانه‌ها در بازگشت آن تاثیر گذار هستند. اعطای وظیفه مجری گری به دبیر جشنواره می‌تواند مانعی برای تغییرات روز به روز این رویداد باشد و مشکلات را کم کند.

سهم خواهی بلای جان جشنواره است

کیوان امجدیان کارشناس رسانه‌ای در ادامه برنامه اظهار داشت: وجود آیین نامه مشخص و فعالیت دبیران در جایگاه اجرایی امری درست است اما آفت جدیدتر جشنواره فیلم فجر، هدایت آن به سمت گفتمان مبتنی بر سهم خواهی است. سهم خواهی در همه دوره‌ها اعم از مدیریت چپ‌ها و یا طیف راست‌ها به یک معضل تبدیل شده و دبیر و عوامل جشنواره را در جایگاه سهم دهنده قرار داده است در حالی که در صورت ممانعت با این رویکرد از جانب خود سازمان تحت فشار قرار می‌گیرند. این اتفاق جشنواره فیلم فجر را به دردسری بزرگ تبدیل کرده و تکلیف یکساله سینمای مارا در فراری شدن فیلمسازان از این فضای فرهنگی رها کرده است از طرفی دیگر این اتفاق منجر به هجوم منتقدان به شرکت کنندگان در جشنواره شده است. تا زمانی که معضل سهم خواهی در سینما حل نشود آیین نامه‌ها هم کمکی به مدیریت جشنواره نخواهد کرد و کمکی به بهبود مشکلات نمی‌کند.

وی افزود: جشنواره فیلم فجر در ادوار اخیر با انقلاب غریبه شده است. در ادوار اولیه که جشنواره بستری برای معرفی فیلم‌ها شناخته می‌شد سیاستگذاران مجبور به رعایت اصول جشنواره مبنی بر ارائه فیلم‌هایی مبتنی بر نیاز جامعه بوده اند و تعداد فیلم‌های انقلابی هم به

نسبت بیشتر بوده است اما در طول زمان با زیرکی خاصی، مرجعیت از جشنواره گرفته شد و فیلمسازان را با انصراف از جشنواره روبرو کرده است در حالی که بسیاری از فیلم‌های خوب در اکران‌های مردمی و خارج از جشنواره به محبوبیت خود رسیده است. در حال حاضر اراده‌ای خارج از سازمان سینمایی در تلاش هستند که اعتبار کم جشنواره را گرفته و آن را به جشن و دورهمی تبدیل کنند. من به داروغه زاده نقدهای زیادی داشته ام اما انصافاً تلاش و مقاومت خوبی برای این بی عدالتی‌ها داشته است. رسانه خود ما هستیم که ناخواسته ابزار آدم‌های منفعت طلب جشنواره می‌شویم و اگر مخالفت کنیم با زور طرف‌های موافقشان روبرو می‌شویم.

این کارشناس رسانه‌ای موفقیت جشنواره‌های فیلم فجر را منوط به حفظ برخی رابطه‌ها دانست جایگاه دبیر جشنواره را محدود به وظیفه اجرایی کرده و تقصیرات را از گردنش بر میدارد. جشنواره ما آیین نامه مشخصی ندارد و برخی مسئولان تحت هیچ شرایطی جشنواره را رها نمی‌کنند، همیشه هستند و در امور دست دارند پس باید به فکر باشیم.

وی افزود: گفتن برخی حرف‌ها راحت است ولی عمل به آن سخت می‌شود. برخی رسانه‌ها همیشه نسبت به برخی دیگر جریان‌های جشنواره گارد می‌گیرند و رسانه‌ها را به دسته بندی مجبور می‌کنند. رسانه‌های رسمی به دنبال کلیک در اخبار هستند که این امر منجر به کاهش عملکرد درست خبرنگاران می‌شود. در این میان اعتبار اخبار منتشر شده در فضای فعال مجازی از طریق رسانه‌های معتبر مورد سنجش قرار می‌گیرد در حالی که مرجعیت این رسانه‌ها را با افزایش مخاطب رو به زوال است. در حال حاضر فضای جشنواره فیلم فجر به منبع درآمدی برای رسانه‌ها تبدیل شده که هر کسی را به درآمدزایی از آن ترغیب می‌کند. جداسازی بخش ملی و بین المللی جشنواره نیز منبع مالی جداگانه‌ای را به فعالان این عرصه تزریق می‌کند و عرصه را برای حضور این افراد فراهم کرده است.

امجدیان خاطر نشان کرد: بعد از اتمام جشنواره‌های فیلم، کارکرد رسانه‌ها نسبت به این رویداد محدود می‌شود بنابراین سازمان سینمایی موظف به صرف هزینه نسبت به بررسی کامل جشنواره در طول سال است اما متأسفانه از این فرآیند غافل مانده است در شرایطی که چند روز مانده به جشنواره در تلاش و هیاهو به سر می‌بریم، بعد از اتمام این ایام، همه انتقادات فراموش می‌شود در حالی که بررسی این انتقادات بعد از اتمام جشنواره کار سزوتر است و می‌تواند این عرصه را بهبود بخشد. نبود آیین نامه مدون در این جشنواره برای هیچ دوره‌ای به نتیجه نخواهد رسید چرا که به شکل مطالبه عمومی در نیامده و با محدودیت پیگیری رسانه‌ها نسبت به این قضیه همراه بوده است این در حالی است که تعیین آیین نامه ثابت مستلزم چندین جلسه بررسی زوایا است که این امر از حوصله مسئولان سینمایی خارج است و به عبور و مرور رسانه‌ها در تایم خاصی از سال محدود شده است.

وی عدم پذیرش رایگان برج میلاد به عنوان کاخ جشنواره، پرداخت مبالغ زیاد به پردیس سینمایی ملت و بی توجهی به پیشنهاد ایران مال نسبت به دریافت مبلغ ۱۰ میلیاردی از جانب داروغه زاده را اقدامی دور از ذهن دانست و علت این تصمیمات را از ابهامات تصورات مدیران معرفی کرد.

این کارشناس رسانه در پایان اذعان داشت: حفظ شکوه جشنواره و نبردن آن به سمت کم اثر شدن یکی از اصول مهم در جشنواره فیلم فجر است چرا که خطر بی اثر شدن در کمین این رویداد بزرگ رسانه‌ای است که در جوانب مختلفی نظیر عدم شرکت برخی فیلمسازان در جشنواره نمایان شده است.

